

دلنوشته، خانه انوری کجا باشد؟

ورزش اردبیل حال و هوای خاص خودش را دارد. همه به نوعی، بودن در ورزش را می خواهند وسیله ای برای رسیدن به برخی از اهداف قرار بدهند. می خواهند در کنار خدمت به ورزش به خود نیز خدمت بکنند و مزد تلاش ها، دوندگی ها و زحمات را بگیرند و برای آینده شان فکر بکنند.

مدیریت در ورزش تفاوت های عمده ای با مدیریت در دیگر نهادها و ارگان ها دارد. کل جامعه را می توان تحت پوشش وزارت ورزش و در استان ها تحت پوشش ادارات کل به شمار آورد. ورزش از آن جمله مقوله هایی است که با افراد مختلف و با ویژگی ها و خصوصیات متفاوت سر و کار دارد و بنابراین مدیریت در آن و راضی نگاه داشتن همه کاری مشکل و تقریبا غیر ممکن است.

به این علت است که وقتی برای ورزش مدیر جدیدی انتخاب و شروع به کار می کند از فردایش مخالفانش اعلام موجودیت می کنند و مدعی می شوند که همین امروز و فردا خداحافظی مدیر از صندلی پر ابهت و پر حاشیه ورزش حتمی است. آنها چنان در مخالفت مصمم نشان می دهند که حتی برای مدیری که عرقش خشک نشده جانشین معرفی می کنند و برای مطرح کردن نامزد خودشان رایزنی ها انجام می دهند.

مدیر تازه منصوب شده هم اگر سابقه مدیریت نداشته و با زیر و بم حکومت در ورزش آشنایی نداشته باشد به زودی قافیه را می بازد و در هر اقدام و رفتار و عملکردش آثاری از بیم و هراس مشاهده می شود.

مدیریت در ورزش کار بسیار سخت و طاقت فرسایی است. علی رغم مشکلاتی که یک مدیر ورزش می تواند با آنها روبرو شود و روزگار سختی را بگذرانند اما علاقه مندان برای جلوس بر روی این صندلی خیلی زیاد است و می شناسیم کسانی را که سال هاست آرزوی بالا رفتن از پله های اداره کل با عنوان مدیر کلی را دارند. این افراد برای این که بتوانند به آرزوی خودشان برسند در هر انتخاباتی از مجلس شورای اسلامی فعالیت در ستادی را انتخاب می کنند تا شاید از این راه بتوانند کاری انجام دهند که تاکنون موفق نشده اند ولی از عشق و علاقه این ناکام های همیشگی به مدیریت ورزش استان تاکنون ذره ای کاسته نشده است.

بعد از هر انتخابات مجلس شورای اسلامی مانور در اطراف مدیریت ورزش و جوانان افزایش پیدا می کند. اطرافیان هر یک از منتخبان به نوعی خود را محق برای رسیدن به این پست می دانند و با غرور ناشی از انتخاب نامزدشان می خواهند برای ورزش استان خط مشی تعیین کرده

و خودی نشان بدهند.

این که گفتیم عده ای برای معرفی نامزد اقدام می کنند کار را خیلی پیچیده می کند چرا که نامزدهای مدیر کلی با مانور این افراد عنان اختیار از دست می دهند و ناخواسته حداقل در رویا خود را مدیر می بینند و هر از گاهی هم رایزنی کرده و برای جلب نظر برخی ها اقدام می کنند.

مدیر هم در این حال و احوال در میدانی قرار می گیرد که از هر سو آماج حملات است. تیرهای مختلفی از سوی دوست، دشمن، خودی و غیر خودی به سوی پرتاب می شود و او بالاجبار در جبهه های مختلفی به مقاومت، ایستادگی، دفع حملات و در نهایت انجام وظیفه می پردازد و این گونه عمل کردن و در تنگنا قرار گرفتن از صد انرژی مدیر برای پرداختن به وظیفه اصلی اش می کاهد.

مخالفان با مدیریت مدیر ورزش حتی نمی توانند کارهای مثبت وی را ببینند و چون برای برچیدن بساط مدیریت تمایل دارند اعتقادی به کارایی مجموعه نداشته و هر شکست و ناکامی و ناملایمات را به پای وی می نویسند و می خواهند کارنامه اش را سیاه نشان بدهند.

این گونه رفتارها نه فقط برای امروز است بلکه از زمان استان شدن اردبیل این حکایت بوده و همچنان پابرجاست و گویا اراده ای برای تغییر این وضعیت و این نوع تفکر وجود ندارد.

در هیات های ورزشی هم کمتر اتفاق می افتد که ورزشکاران یک رشته یک دل و یک زبان باشند و انتقادی را متوجه دست اندرکاران مربوطه نکنند. این جا هم مشکل همیشگی حاکم است. اگر رئیسی برود و دیگری انتخاب بشود از فردا حرف و حدیث ها در موردش شروع می شود. کسانی که تا دیروز برای رسیدن به هدفشان در مقابل رئیس کرنش می کردند فرصت خالی کردن عقده ها را پیدا می کنند و می گویند آنچه نباید بر زبان جاری بسازند. عده ای همیشه در بیرون گود هستند و به نحوی اجازه فعالیت به آنها داده نمی شود و یا انتظار و توقع بیرون مانده ها به حدی است که رئیس و دوستانش نمی توانند به خواسته هایشان تن بدهند و بنابراین همیشه یک جای کار می لنگد و مشکلات لاینحل باقی می ماند.

مطبوعات هم که در ورزش دنیای خودش را دارد، نبود آگهی و منبع درآمد برای تامین هزینه ها گاهی شرایطی را فراهم می آورد که مطبوعات را به اصلاح کردن سر و صورت یکدیگر اقدام می کنند. در قدیم در گرما به ها دلاکان موی سر مشتریان خود را نیز می تراشیدند، هنگامی که مشتری نبود و بی کار می شدند مشغول تراشیدن سر همدیگر می شدند. امروز نیز برخی از همکاران وقتی با کمبود سوژه، نبود آگهی و قلت تیراژ مواجه می شوند به تراشیدن سر یکدیگر می

پردازند و ما چه خوب از این مهلکه خود را نجات دادیم و با الکترونیکی کردن نشریه اجازه تراشیدن سر بی موی خود را ندادیم. حال از تک تک رشته ها حرفی به میان نمی آوریم. اما باید بپذیریم که هستند عزیزانی که برای مطرح کردن خود به ورزش و مدیریت برخی از رشته ها روی آورده اند و می خواهند از آنها سکویی برای پرتاب بسازند. این قبیل آقایان اگر به ورزش خدمت بکنند و برای پیشرفت رشته ها تلاش نمایند حالا اگر از کنار آن به نام و نشانی هم رسیدند ایرادی نخواهد داشت.

و اما بشنوید از حال و احوال ما که در این عرصه همیشه مقصریم. همواره مورد حمله قرار می گیریم ، اگر کسی زورش به رئیس و مدیر و هیات و کانال و گروه مجازی و دبیر و خلاصه به هر چیزی که فکرش را بکنید، نرسد یقه مای بیچاره و درمانده را می گیرد و تا دل شما بخواهد ما را مورد نوازش ، محبت ، عنایت و بزرگواری خود قرار می دهد

راستی تا چه حد باید تاوان استقلال و حرف حساب زدن را بدهیم. هنوز هم که هنوز است بعد از گذشت نزدیک به یک سال نتوانستیم جوابی برای ادعای برخی از آقایان که نویسنده این سطور را در کنار مدیر کل ورزش و جوانان عامل نابودی فوتبال در سال های اخیر می دانستند پیدا بکنیم. نویسنده اش را نیز پیدا نکرده ایم تا دلایلش را بشنویم. شاید من، رئیس هیات فوتبال استان و یا دبیر قدر قدرت آن بوده ام که در کنار مدیر کل ورزش و فوتبال استان را بیچاره کرده ام.

با جوی که این روزها بر ورزش ما حاکم است همه ما را دشمن ورزش و خودشان می دانند. عده ای ما را حامی مدیر ورزش و دشمن درجه یک گردانندگان فوتبال می دانند. والیبالی ها ما را از حامیان اداره کل ورزش و جوانان و آنها ما را از حمایت کنندگان رئیس هیات والیبالی به حساب می آورند و ما بر این افتخار می کنیم که به سمت هیچ مسؤل و پر مدعا و دروغگو و بلندپرواز و خود محور و ... غش نمکرده ایم و استقلال خود را حفظ نموده ایم و در این میان اهمیتی هم به اظهار نظر های آبکی نمکی دهیم. در هر صورت به عقیده آنهایی که تیشه به ریشه ورزش استان زده اند عامل نابودی، عقب گرد و درماندگی ورزش و فوتبال به جز ما کس دیگری نبوده و نیست !!!
شاعر بزرگ ایران زمین انوری چه خوب گفته است:

**هر بلایی کز آسمان آید
گر چه بر دیگری قضا باشد
به زمین تا رسید می پرسد
خانه انوری کجا باشد؟**

